

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

محمد شریف منصور

۲۸ جنوری ۲۰۲۲



شریف منصور

سرگذشت یک رئیس جمهور

(۶)

تجهیز ارتش

محمد داوود خان از زمان نخست وزیری اش توجه زیادی به ارتش داشت و حالا احساس می کرد که بیشتر از گذشته به یک ارتشی نیرومند نیاز دارد. ارتشی که بتواند او را به رؤیای دیرینه اش یعنی الحاق پشتونستان به افغانستان و یا حداقل خودمختاری آن برساند و در صورت حمله احتمالی به پاکستان و یا به عکس به اندازه کافی قوی و کارآمد باشد. ارتشی که بتواند در برابر حمله احتمالی اتحاد شوروی مقاومت کند، شورش های احتمالی قبایل را سرکوب کند و کودتا های احتمالی را درهم بشکند. اگر چه تمام موارد بالا احتمالی شمرده می شد ولی درصدها وقوع همه این احتمالات خیلی بلند بود. در سال ۱۹۷۵ زد و خوردهائی میان نیروهای نظامی افغانستان و پاکستان رخ داد. اتحاد جماهیر شوروی هم در یک قدمی افغانستان قرار داشت و افغانستان سدی بود در میان شوروی و آب های گرم که برای قرن ها فکر رهبران روسیه را به خودش مشغول کرده بود. شورش های قبایل هم خطر جدی بود که هر حکومتی را تهدید می کرد و با توجه به گسترش ایدئولوژی کمونیستی در میان قوای مسلح و مخالفت اسلام گرایان با محمد داوود خان هم چندان غیر محتمل نبود. از همه گذشته محمد داوود خان شخصاً میل داشت که با قدرت تمام حکومت کند و برای این کار نیازمند یک ارتش قوی بود. با توجه به همه این مسائل محمد داوود خان تصمیم گرفت که همانند دوران نخست وزیری اش با استمداد از روسیه ارتش را تا جای ممکن تجهیز کند. جنرال محمد نبی عظیمی می نویسد:

«اردو با آمدن مجدد سردار محمد داوود در رأس دولت و وزارت دفاع کشور، بازم به طرف عصری شدن گام نهاد و با گذشت هر روز از کمک های بیشتر اتحاد شوروی مستفید [بهره مند] گردید. هنوز مدت کوتاهی از پیروزی کودتا نگذشته بود که یک هیأت بزرگ اتحاد شوروی مرکب از جنرالان و مقامات عالیرتبه نظامی اتحاد شوروی به ریاست مارشال وی.دی. سوفولسکی بنا به دعوت محمد داوود خان به افغانستان آمد. مارشال مذکور که در جنگ دوم جهانی رتبه جنرالی داشت، این دومین باری بود که به افغانستان می آمد. این هیأت در قصر چهلستون اقامت گزید. از طرف افغانستان غلام حیدر رسولی «قومندان قول اردوی مرکز» رئیس هیأت افغانی تعیین شد. من نیز به صفت منشی هیأت افغانی بنابر امر محمد داوود خان شامل شدم. هیأت مذکور بعد از ملاقات با محمد داوود و استماع نقاط نظر نامبرده که مجهز ساختن هرچه بیشتر، تحرک بخشیدن و ارتقاء بخشیدن قابلیت رزمی اردو بود به کار خویش آغاز کرد. این هیأت از گارد جمهوری افغانستان در ارگ دیدن نمود. از قطعات و جزواتم های بزرگ مرکز، مانند فرقه های ۷ و ۸، قوت های ۴ و ۱۵ زره دار، قول اردوی سوم در گردیز، میدان های هوایی خواجه رواش و بگرام بازدید نموده، کمبودی ها، کاستی ها و پرابلم های قطعات و جز و تام های بزرگ قوای زمینی و هوایی کشور را یادداشت نموده و همراه با هیأت افغانی مشترکاً بالای تشکیلات جدید اردوی افغانستان بیشتر از دو هفته کار نمودند. نتیجه کار آنها این بود که مطابق تشکیل جدید، اردوی افغانستان باید دارای صد هزار نفر پرسنل مرکب از افسر، خرد ضابط و سرباز باشد و قابلیت جذب ۲۰۰ هزار نفر را در اثنای سفر [=حالت اضطراری] داشته باشد. بعضی جز و تام های علاوگی [=اضافه شده] محاربوی و تأمیناتی [=جنگی و لوژستیکی] در تشکیل اردو گنجانیده شد و اسلحه و تخنیک جدید و جدیدتر در تشکیل اردو اضافه گردید. مانند راکت های سبک دافع هوای «ستریلا_یک» و «ستریلا_دو» در تشکیلات فرقه های پیاده، ایجاد لواهای تانک در تشکیلات قول اردوهای قندهار و گردیز، اکمال لواهای ۴ و ۱۵ با تانک های T-62، تشکیل کندک ها و مفرزه های هوایی با طیارات نوع سو ۲۲ و میگ ۲۱. ۱ در همان سال یک هیأت نظامی بزرگ هندی تحت ریاست لوی درستیز نیروهای زمینی و هوایی آن کشور برای بازدید رسمی به افغانستان آمد و از بعضی از قطعات و مؤسسات تحصیلی اردو در مرکز دیدن نمود. [این هیأت] به جلال آباد سفر کرد و از کار و فعالیت قطعات و جزواتم های فرقه ۱۱ قول اردوی مرکزی بازدید به عمل آورد. برای هیأت مذکور یک تطبیقات [مانور] آتش دار غند پیاده ترتیب گردید. هیأت بعد از عقد قراردادهای پذیرش محصلین نظامی افغان، دوباره به کشورش بازگشت.»

سفر به ایران

در سال ۱۹۷۵ رئیس جمهور با اطمینان خاطر از کمک های ایران، به تهران سفر کرد زیرا "علم" که مدت ها قبل در جریان کمبود منابع برای اجرای برنامه توسعه ئی افغانستان قرار گرفته بود از سفیر افغانستان پرسیده بود که چرا رئیس جمهور محمد داوود از شاه ایران تقاضای کمک نمی کند؟ با وجود آن رئیس جمهور در سفر به ایران در مورد کمک تقاضای اظهار نظری نکرد و خود شاه فقید ایران پا پیش گذاشت و به صورت محرمانه در جریان صرف غذا از آمادگی اش برای اعطای یک وام دومیلیارد دالری برای توسعه افغانستان خبر داد، رئیس جمهور داوود ضمن تشکر به شاه گفت: ما از ایران تقاضای کمک نکردیم ولی اگر شاه ایران تصمیم گرفته اند

¹ _ اردو و سیاست، ص ۹۸ و ۹۹

که به افغانستان کمک کنند با کمال میل می پذیریم، البته این کمک ها بدون شرط است.^۲ رئیس جمهور پس از بازگشت به کشور در سخنرانی اش ایدئولوژی های وارداتی را بیهوده خواند و خواهان ایجاد یک ایدئولوژی تازه شد:

«برادران

ایدئولوژی های وارد شده هیچ گاه به تنهایی به درد یک ملت نمی خورد. ملت مرد و قهرمان آن ملتی است که از آن همه ایدئولوژی ها از همه دنیا چیزهای بهتری که موافق با عنعنات ملی، منافع ملی و مقتضیات دینی آن باشد، استخراج و جمع آوری نموده، به فکر و دماغ خود برای خویشتن و وطن خویش ایدئولوژی نوی را خلق کند که در پرتو آن راه سعادت و اعتلاء را بییماید.»

به باور آقای کشتمند سخنرانی شتاب زده محمد داوود خان باعث ناخشنودی اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان شده بود و زنگ خطری برای آن ها بود:

«مسأله اساسی این بود که گرایش محمد داوود در سیاست داخلی در راستای ضدیت با نیروها و جنبش های ملی و دموکراتیک نضج یافته در کشور به گونه فزاینده ای سیر ارتقائی به خود گرفته بود و او می خواست که این تمایل را با سیاست خارجی خویش نیز همسان سازد. بر پایه همین گرایش، وی به دعوت شاه ایران پیش از سقوط حکومت خویش به آن کشور مسافرت کرد و وعده های بدون پشتوانه ای مبنی بر کمک های بیش از یک میلیارد دالری را از آن کشور دریافت نمود. او بلافاصله، پس از ورود به خاک کشور و نارسیده به کابل، در به دیوار ایران، در هرات به گونه شتاب زده ای مخالفت شدید خویش را آشکارا برای نخستین بار به ضد به اصطلاح «ایدئولوژی های وارد» اعلام داشت و به این ترتیب از طریق شاه ایران گویا به ایالات متحده امریکا از گرایش های جدید خویش اطمینان داد. ولی پیش از آن که پیام وی به گوش مقامات امریکائی برسد و بیش از آن که مورد پذیرش آنها قرار گیرد، در داخل کشور موجب افزایش ناخشنودی و برانگیختن نیروهای سیاسی و به ویژه حزب دموکراتیک خلق افغانستان گردید. در واقع این تلاش مذبوحانه در ماهیت امر، به مثابه یک هشیار باش برای این نیرو ها بود.»^۳

^۲ افغانستان در قرن بیستم، ص ۱۹۱

^۳ یادداشت های سیاسی و رویدادهای تاریخی ج اول، ص ۳۰۱